

در بنورد اتفاق افتاد؛

۲ قتل طی یک شب

۲ قتل طی کی شب در بخنود اتفاق افتاد. شنبه شب در پی یکی نزاع خانوادگی فردی پدر همسر خود را به قتل رساند، همچنین در این شب مرد جوانی در منزل یکی از اموال خود به قتل رسید. بر اساس اطلاعات دریافتی خبرنگار ما، شنبه شب در یکی از روستاهای بخنود در پی آتش سوزی رخ داده شده در یک منزل با ورود شاهاده به منزل دچار آتش سوزی شده، جسد جوانی در آن کشف شد که علاوه بر اصابت ضربات چاقو آثار خفگی نیز در جسد وجود داشت. در پی وقوع این قتل پرنده قضایی تشکیل شده و تحقیقات در خصوص علت و انگیزه آن در دست انجام است. داستان عمومی و انقلاب بخنود اطلاع رسانی در این باره را در بعد از انجام تحقیقات موکول کرد. علاوه بر وقوع این قتل، در پی درگیری خانوادگی دیگری در بخنود مردی پدر همسرش را با ضربات چاقو به قتل رساند. در این باره نیز با تشکیل پرنده قضایی تحقیقات و بازجویی ها در خصوص جرایم وقوع این اتفاق، آغاز شده است.

بساط خلاف رنگ خون گرفت

در پی نزاع به وجود آمده هنگام قمار در یک دوره‌می دوستانه، یکی از جوانان حاضر در این دوره‌می با ضربات گزاف مصدوم شد و بعد جان باخت.

به گزارش خبرنگار ما، در پی قتل جوانی در یکی از شهرهای استان با تحقیقات انجام شده ادعا شد در پی تشکیل یک گروه دوره‌می برای بازی قمار، در میان طرفین بازی درگیری رخ می‌دهد و در پی این درگیری یکی از جوانان در پی کسب اطلاع خبرنگار ما در خصوص جزئیات بیشتر این حادثه و علت اصلی فوت این جوان، اعلام شد ادعاهای مطرح شده در خصوص وقوع این حادثه هنوز در مرحله انجام تحقیقات قرار دارد و علت اصلی مرگ فرد مصدوم این حادثه پس از انتقال به بیمارستان و مرخص شدن از آن، جان باخته است هنوز در مرحله بررسی نیست و در مرحله انجام تحقیقات قرار دارد.

ادعای شرف چیست؟

چنان چه شکایت های مطرح شده واهی و با سوء نیت باشد می تواند این طرح شکایت هوشمند و افترا علیه نام برگیر اقدام کنید.

آن چه را که مردم از آن به «ادعای شرف»، تعبیر می کنند، در واقع افتاد عاده حیثیت است که قانون گذار بیان کرده است و به عبارات دیگر با این کار تلاش می شود آب رفته به جوی بازگردد؛ زیرا علاوه بر این که نام و حال مردم مورد حمایت قانون گذار قرار گرفته است حیثیت و آبروی آن ها هم در نظر قانون گذار محترم و مورد حمایت است، پس شرف به آن موجب برخوردی قانونی می شود.

بنابراین فردی که در اثر تهمت دروغین و ادعای خلاف واقع دیگری ابرویش از دست داد، به تازش می‌کند و بر افکار عمومی یا جمع خاصی این آبرو مجدداً احیا شود و یا اثبات بی گناهی خود، موقعیت اجتماعی خود را تا حد امکان به حالت قبل برگرداند. به طور مثال فردی همسایه اش را متهم به سرقت از منزلش می‌کند، اما بعد از رسیدگی قضایی مشخص می‌شود همسایه بی گناه است و سابق شخص یکتب است. بنابراین همسایه بعد از اثبات بی گناهی خویش می‌تواند مطابق کتاب ۶۹۷ تحت عنوان مجازات اسلامی تحت عنوان مفتی شخص شاکی را تعقیب کند. معولاً در این خصوص شخص با طرح شکایت افترا در دادسرا تقاضای تحقیق، تکفیر و محکومیت مفتی را می‌کند.

بنابراین با اثبات سوء نیت شاکی و احراز این امر که وی قصد ضرر رساندن به دیگری را داشته است، جرم افترا محقق و مغتری به مجازات آن که یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد است، محکوم خواهد شد.

باید توجه داشت که صرف این که فردی علیه دیگری اقدام به شکایت کیفری کند، موجب نمی شود در صورت عدم پیروزی در دعوا، طرف مقابل وی بتواند وی را به عنوان مفتري تحت تعقيب قرار دهد؛ زیرا در این صورت باید بعد از هر شکایت کیفری که منجر به نتیجه نمی شود، منتظر طرح شکایت افترا باشیم.

پس فردی را می توان به جرم مفتری تحت تعقیب قرار داد که با سوء نیت و به قصد هتک حرمت شخصیت دیگری، امری را که جرم محسوب می شود به وی نسبت داده باشد.

منبع: میزان

ماجرای بنایی که دیوارهای طمع روی زندگی اش آوار شد

ملاقات شوم



داخل زندان افتادم. به خاطر سابقه ای که داشتم به حبس ابد محکوم شدم.

■ خانواده‌ات بعد از زندانی شدن تو چه کار کردند؟

بعد از زندانی شدن در واقع قبل از این که به من شوک وارد شود به خانواده ام وارد شد طوری که همه چیز از دست شان خارج شد. همسر مانده است با این رسوایی چگونه کنار بیاید و چند بچه قد و نیم قد را چگونه اداره کند. البته پشیمانی هم بعد از این رسوایی می‌آید این ندارد و باید با مشتقت فراوان زندگی خود و فرزندان را بچرخاند.

دندانم مژه کرده بود دوباره وسوسه شدم و سراغ دوستان نابایم رفتم تا کار قاچاق مواد را ادامه دهم. وقتی دیدم سود مواد سنتی دهن پر کن نیست، طمع و قاچاق مواد صنعتی را شروع کردم. بعد از گذشت مدتی با خوردوی شخصی از یکی از استاد های مرزی قاچاقی می کردم. در مسیر دمام به سود موزی که گیرم می آمد فکر می کردم و به خودم می گفتم

اگر موفق شوم از ایست و بازرسی ها عبور کنم خودم را از نظر مالی برای همیشه تأمین کرده ام. مدام در این افکار خام و شیطانی بودم که یک روز در یک ایست و بازرسی گیر افتادم و از گشت و گذار روی ابرها به

انگار شجاع شدم و ته دلم قرص شد. در ماه های اول مقدار کمی مواد از نوع سنتی در محله ها توزیع می

کردم و با پولش خوش بودم.
رفته رفته دل و جرئتم زیاد شد و بی گذار به آب می
زدم طوری که در روز روشن در داخل کوچه مواد می
فروختم و همین ماجرا باعث شد خیلی زود دستبند
قانون بر دستانم بنشیند.

بعد از ۲ سال حبس از زندان آزاد شدم اما حیف که پند نگرفتم.

■ چرا دوباره سراغ قاچاق مواد رفتی؟
بعد از آزاد شدن به خاطر پول باد آورده مواد که زیر

چند سال به کار سوداگری مرگ
ادامه داد و به خیال خودم خوش
بودم. روز اول که مواد را از دوستم
تحویل گرفتم تا در بین مصرف
کنندگان توزیع کنم دست و پایم
می لرزید اما زمانی که پول یاد
آورده ای گیرم آمد انگار شجاع
شدم و ته دلم قرص شد

روزی داربست به پایین سقوط کردم. بعد از این اتفاق دلبهره آور مدتی خانه نشین شدم و بدتر از گذشته خیالات زیادی سراغم آمد.

روزی یکی از دوستانم به ملاقاتم آمد و از موقع ورود به خانه ام شروع به متلک پرانی به من کرد و از هر نقطه ضعیف ام یک جوک برایم ساخت و خانواده ام را خنداند.

بعد از گذشت یک ساعت زمانی که اطراف مان خالی شد از کار و وضعیت ام پرسید و رو به من کرد و گفت تا کی باید به این کار پر خطر با درآمد کم ادامه بدهم. من فقط سکوت کرده بودم تا این که دوسم دستی به شانه

هایم زد و گفت غصه نخورم چون یک کار نان و آبدار
برایم سراغ دارد اما به شرطی که فرمان بردار و کمی
هم دل و جرئت داشته باشم.

با شنیدن این جملات ناگهان چشمانم برق زد و خودم را جمع کردم و از او پرسیدم که از کدام کار نان و آبدار سخن می گوید؟ دوستم با کمی مکث پاسخ داد: قاجاق مواد. کمی جا خوردم اما به خاطر بیکاری و وضعیت مالی خرابم، نستجیده پاسخ مثبت دادم.

چطور دستگیر شدی؟

چند سال به کار سوداگری مرگ ادامه دادم و به خیال خودم خوش بودم. روز اول که مواد را از دوستم تحویل گرفتم تا در بین مصرف کنندگان توزیع کنم دست و پایم می لرزید اما زمانی که پول باد آورده ای گیرم آمد

صادیقی

ی گوید ملاقاتی شوم او را به بیراهه کشاند و زندگی
س را به تیره سوق داد. سقوط از بلندی او را رسوا
کرد اما طمع و قانون گریزی باعث شد خوار و خفیف
نماند. از گذشته عبرت نگرفت و آن را چراغ راه زندگی
ش قرار نداد و دوباره با طغیان طمع و دوستان خاکی
ش خودش را دریاچه چاه انداخت تا عمرش را در پشت
پله های زندان بگذراند.

درآمد کم بنایی زندگی اش را سرپا نگه داشت اما پول های بادآورده مواد، در زندگی اش سیل به راه داخت و آینده خود و خانواده اش را ویران کرد. در دامه گفت و گوی خبرنگار ما را با یک زندانی حبس بد می خوانید.

■ **چند وقت و به چه جرمی در زندان هستی؟**

بیش از ۸ سال است که تاوان قانون گریزی ام را به خاطر قاچاق مواد، پس می دهم؛ سال هایی که با سبزه و پشیمانی همراه بود اما چشمان طمع ام مانده باز شد که گرفتار شدم.

■ سابقہ کیفری ہم داشتے؟ اعتیادِ چطور؟

ک بار به خاطر قاچاق مواد سنتی ۲ سال حبس شیدم. از اشتباهم پند نگرفتم و توبه نکردم و دوباره در گرداب سوداگری مواد گذاشتم. اکثر آدم هایی به مدام با مواد سرو کار دارند در تله اعتیاد می افتند و من هم یکی از آن ها بودم.

■ **شغل‌ات چه بود و چند فرزند داری؟**
 من ۳ فرزند قد و نیم قد دارم و آینده آن‌ها و
 مسموم را نابود کردم.

■ **چطور شد به سمت قاچاق موادمافی؟**
 نعل آبرومندانه ای داشتم اما صد حیف که قدر آن را
 دانستم و زندگی ام را ویران کردم. پای طمع و ریفیان
 باب در میان بود.

مر چند از درآمد بنایی به خاطر رکود بازار رضایت نندانی نداشتم اما با هر زحمتی که بود چرخ زندگی مرا می چرخاندم. همه چیز از یک سقوط از بلندی و ملاقات با دوست ناباب شروع شد.

یک روز سر کار بنایی به خاطر مشکل مالی فکرم به مدت درگیر بود، ناگهان تعادل را از دست دادم و از

دېستان دخترانه عدالت بجنورد

منتخبی از تصاویر
دانش آموزان نمونه ی
درسی و انضباطی
سال تحصیلی ۹۸-۹۷



با سپاس از همراهی صمیمانه و همکاری درخشان مدیریت فرهیخته : سرکار خانم هاجر لنگری

**باسپاس از
مدیر محترم
خانم رحمن پور
و همکاران محترم**